

حق بر آب در پیکره حقوق بین الملل و حمایت از آن در داوری سرمایه گذاری بین المللی

فرشاد گراوند*

چکیده

این نوشتار به بررسی مبانی حقوقی حق بر آب در حقوق بین الملل و همچنین رعایت آن در رویه محاکم ملی و محاکم داوری در اختلافات سرمایه گذاری مربوط به حوزه آب می پردازد. حق بر آب هنوز در هیچ معاهده جهانی به صراحت شناخته نشده است. لکن کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طی تفسیر عام شماره ۱۵ مصوب ۲۰۰۲ حق بر آب را که قبلاً در منشور حقوق بین المللی بشر وجود داشت، به صراحت به عنوان یک حق مستقل اعلام کرد. مجمع عمومی و شورای حقوق بشر نیز در سال ۲۰۱۰ این حق را به رسمیت شناختند. این حق از لحاظ محتوا، دامنه و همچنین ضمانت اجرا با ابهاماتی مواجه است، ولی شناسایی روزافزون آن در نظام حقوقی دولت‌ها، قابلیت تعقیب آن در محاکم و سازوکارهای نظارتی شورای حقوق بشر جملگی نشان می دهند که موجودیت مستقلی یافته است. حقوق بین الملل عرفی نیز مؤید این ادعاست. در پایان، ضمن بررسی رویه محاکم داوری در اختلافات سرمایه گذاری این یافته به دست آمده است که این محاکم نه تنها بر موجودیت این حق صحه گذاشته اند، بلکه تعهدات دولت‌ها در خصوص حق بر آب شهروندان را به طور موازی و همسنگ با تعهدات سرمایه گذار خارجی اعمال کرده اند.

کلیدواژگان

تفسیر عام شماره ۱۵، حق بر آب، داوری سرمایه گذاری بین المللی، منشور بین المللی حقوق بشر.

* دانش آموخته دکتری حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: farshad.human@gmail.com

مقدمه

فلسفه وجودی حقوق بشر آن است تا آنچه را که لازمه تأمین یک زندگی شایسته حداقلی برای انسان است، شناسایی کند. از آنجا که حیات، کرامت و سلامت انسانی بدون آب ناممکن است، پس اغراق آمیز نیست اگر مدعی شویم که حق بر آب همراه با انسان زاده شده است (Singh, 2016: 5). حق بر آب موجب می‌شود تا چارچوب‌های هنجاری لازم را برای پیشبرد عدالت جهانی از طریق سیاستگذاری عمومی پیشنهاد دهد و مسئولیت‌های حقوقی تحقق تدریجی تأمین آب برای همگان را تعیین کند. آب، این طلای آبی^۱، منبع طبیعی محدودی است که بدون آن، زندگی، توسعه و تمدن غیرممکن می‌شود، ولی به‌رغم این اهمیت، جهان در معرض بحران کمبود آب قرار دارد. نزدیک به یک‌سوم جمعیت جهان از آب آشامیدنی سالم استفاده نمی‌کنند و تنها دوپنجم از جمعیت کل جهان به آب آشامیدنی سالم دسترسی دارند.^۲ در گذشته مدیریت منابع آب بر مبنای اصل حاکمیت دولت‌ها صورت می‌گرفت، ولی وجود خطرهای یادشده و همچنین اهتمام سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری سبب شد تا پارادایم سابق تغییر کند و رویکرد دولت‌محوری به رویکرد فرد محور یا حقوق بشری تغییر یابد (Bulto, 2011: 291). در همین زمینه، گفتمان حق بر آب در دهه ۷۰ میلادی ظهور کرد و تحولات هنجاری از طریق برگزاری کنفرانس‌های محیط زیستی که برای برقراری عدالت آب^۳ برگزار می‌شدند، آغاز شد. حال آنکه به گواهی تاریخ، اولین معاهده در حقوق بین‌الملل در خصوص اختلاف درباره آب رودخانه دجله مابین دولت‌شهرهای سومری لاگاش و اوما به ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد (Angel et al., 2017: 17). بعد از جدی شدن بحران آب و تغییرات آب‌وهوایی، مجمع عمومی سازمان ملل به‌عنوان پارلمان جهانی و متعاقباً شورای حقوق بشر با تصویب قطعنامه‌های سعی کردند تا حق بر آب را به رسمیت بشناسند و گام‌های مؤثری در جهت برقراری امنیت آب^۴ بردارند. شورای حقوق بشر با انتصاب گزارشگر ویژه هم اهمیت موضوع را به دول عضو ملل متحد یادآور شدند و هم در ترویج نگاه حقوق بشری به ضرورت تأمین آب و تعیین حوزه‌های مسئولیت دولت‌ها و حتی بخش خصوصی با جدیت بیشتری مؤثر بوده است (McGraw, 2011:153). با این همه، هنوز هم غبار ابهام بر وضعیت حق بر آب سایه افکنده است. از این‌رو، سؤال این است که جایگاه دقیق حق بر آب در حقوق بین‌الملل کجاست؟ آیا این حق به‌طور ضمنی در منابع حقوق بین‌الملل از جمله معاهدات و عرف بین‌المللی قابل شناسایی است؟ رویه قضایی داخلی و بین‌المللی این حق را چگونه قضاوت کرده است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها در گام نخست به مفهوم شناسی این حق پرداخته و سپس ضمن تلاش

1. Blue Gold

2. unwater.org/water-development-report-2019:7.

3. Water Justice

4. Water Security

برای تعیین محتوا و تعهدات ناشی از آن به تبیین جایگاهش در اسناد بین‌المللی، عرف و رویه قضایی می‌پردازیم.

مفهوم‌شناسی حق بر آب

هنوز هم جایگاه سه واژه حق بر آب^۱، حقوق آب^۲ و حقوق بین‌الملل آب^۳ دقیقاً روشن نیست و گاه در نوشته‌های تفکیکی مابین آنها صورت نمی‌گیرد. با نگاهی به اسناد صادره از ارکان ملل متحد درمی‌یابیم که مراد از حق بر آب در واقع همان حق بر دسترسی به آب و بهداشت است که معادل دقیق فارسی آن «حق بر دسترسی به آب و بهداشت» است. در واقع، حق بر آب شامل حق بر بهداشت نیز است. در تفسیر عام شماره ۱۵ کمیته حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صرفاً عبارت «حق بر آب» مطرح شد، ولی متعاقباً در سایر قطعنامه‌های ملل متحد از جمله قطعنامه (A/RES/64/292) مجمع عمومی و قطعنامه (A/HRC/RES/18/1) شورای حقوق بشر به‌صراحت از حق بر آب آشامیدنی سالم و بهداشت نام برده شده است. اگرچه در خصوص تعریف این حق هنوز تعریف مشخص و جهانشمولی صورت نگرفته است (McGraw, 2011:137) لکن، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این حق را چنین تعریف می‌کند: «حق بر آب شامل حق بر آب کافی، سالم، قابل قبول، قابل دسترسی و مقرون به صرفه برای مصارف شخصی و خانگی است» (GC no 15, 2002: para. 2). منظور از حقوق آب حقی است که به‌واسطه حقوق مالکانه یا تملک قطعه زمینی که در مجاورت با یک آبراه بوده و امکان استفاده از آبراه فراهم باشد، به موجب قوانین داخلی به‌دست می‌آید. این عبارت معادل «حقابه» است که در مواد ۴۱ و ۴۲ «آیین‌نامه قانون ثبت» به این نحو تعریف شده است: «حق شخص بر قسمتی از آب رودخانه یا نهر منشعب از آن یا بر قسمتی از آب قنات یا چشمه». اگرچه با تصویب قانون آب و نحوه ملی شدن آن در تاریخ ۱۳۴۷/۴/۲۷، دیگر نمی‌توان در اظهارنامه ثبتی، حقابه را ذکر کرد. این حق اغلب موقتی و قابل سلب است. واژه دیگر حقوق بین‌الملل آب است که شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل است که بر کاربردهای غیرکشتریانی آبراه‌های بین‌المللی حاکم است. آب کاربردهای متفاوتی دارد که در این نوشتار مدنظر نیست، بلکه در اینجا حق بر آب را طبق تعریف کمیته یادشده برای مصارف شخصی و خانگی، جلوگیری از قحطی و مریضی و پیش‌نیاز تحقق سایر حقوق بشر مدنظر قرار می‌دهد.

1. Right to Water
2. Water Rights
3. International Water Law

۱. حق بر آب در منابع حقوق بین الملل

برای تبیین جایگاه حق بر آب باید منابع اصلی حقوق بین الملل یعنی اسناد بین المللی، عرف بین المللی و رویه قضایی محاکم در خصوص حق بر آب را دقیق بررسی کنیم.

۱.۱. اسناد بین المللی حقوق بشر

الف) اسناد لازم الاجرای حقوق بشری با صلاحیت محدود

۱. حق بر آب در چندین معاهده بین المللی به صراحت مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله می توان به ماده ۱۴ (۲) (ه) «کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان» اشاره کرد که به موجب این کنوانسیون دول عضو مکلفاند تا حق زنان روستایی را جهت بهره مندی از شرایط زندگی کافی به ویژه در بحث تأمین آب رعایت کنند.

۲. دومین کنوانسیون بین المللی که به صراحت از آن نام برده است، «کنوانسیون حقوق کودک» است که در مواد ۲ و ۲۴ آن به صراحت دول عضو را مکلف می دارد تا حق بر بهداشت کودکان را از طریق اقداماتی از جمله مبارزه با بیماری و سوء تغذیه از طریق تهیه آب آشامیدنی اجرایی کند.

۳. سومین منبع «کنوانسیون افراد دارای معلولیت» است. این کنوانسیون نیز در ماده ۲۸ (۲) الف) دول عضو را مکلف می سازد تا دسترسی برابر افراد دارای معلولیت به خدمات آب بهداشتی و سایر کمک های مربوط به نیازهای مرتبط با معلولیت را تضمین کنند. اگرچه این اسناد از لحاظ صلاحیت شخصی و مکانی محدودند، امتیاز آنها در این است که الزام آور بوده و دول عضو آنها مکلفاند تا مفاد آنها را رعایت کنند. در این اسناد به صراحت عناصری از حق بر آب از جمله در دسترس بودن و موجودیت آن تأکید شده است (Cavallo, 2012: 141).

ب) میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۱. حق بر برخورداری از سطح کافی زندگی

حق بر آب یکی از حقوق ماهوی است که به طور ضمنی از میثاق بین المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (از این پس میثاق اجتماعی) به ویژه از حق بر سطح کافی زندگی و حق بر بهداشت قابل استنباط است. حق بر برخورداری از سطح کافی زندگی در داخل خود حقوق متفاوتی را جای داده است. بند ۱ ماده ۱۱ میثاق مقرر می دارد: «کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی و همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می شناسند...». کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (از این پس کمیته حقوق اجتماعی) در تفسیر عام شماره ۱۵

معیار خود را برای مشتق نمودن حق بر آب از سایر حقوق به شرح ذیل بیان می‌دارد: «بند ۱ ماده ۱۱ میثاق شماری از حق‌های بشری از جمله حق بر غذا، لباس و مسکن کافی را که برای تحقق حق بر سطح کافی زندگی لازم هستند مشخص کرده است. بدیهی است که حق بر آب در داخل مقوله‌ای جای می‌گیرد که برای تضمین سطح کافی زندگی ضروری است؛ به‌ویژه اینکه حق یکی از بنیادی‌ترین شروط برای بقاست» (GC no 15, 2002: para 3). معمولاً این سؤال مطرح می‌شود که چرا هنگام تدوین میثاق اجتماعی علی‌رغم پیشنهاد مطرح‌شده، حق بر آب در بند ۱ ماده ۱۱ قرار نگرفت؛ درحالی‌که عناصر کم‌اهمیت‌تر سطح زندگی کافی مانند پوشاک و مسکن کافی به‌صراحت مورد اشاره قرار گرفته‌اند (Riedel, 2005: 595). به همین دلیل، برخی نویسندگان معتقدند که اشتقاق حق بر آب از بند ۱ ماده ۱۱ امری خطاست. به باور آنها اگرچه فهرست حق‌هایی که برای تأمین سطح زندگی کافی برشمرده شده ظاهراً حصری نیست، لکن اشتقاق یک حق جدید از این بند امری کاملاً نابجاست (Tully, 2005: 35-38). این استدلال از قوت چندانی برخوردار نیست، چون با نگاهی به کارهای مقدماتی تدوین میثاق اجتماعی متوجه می‌شویم که حذف عمده‌ی آب در بند ۱ ماده ۱۱ به این سبب بوده که آب نیز همانند هوا به‌حد ضروری و بنیادین محسوب می‌شده که لزوم اعلام رسمی آن به‌عنوان یک حق منتفی بوده است (Gleick, 1999: 487). به‌علاوه، با بررسی بند مذکور این نکته بدیهی می‌نماید که حق بر سطح زندگی کافی از جمله غذا، مسکن و پوشاک حصری نبوده و وجود کلمه «شامل» در ماده یادشده نشان از آن دارد که عناصر متشکله حق مذکور محدود به موارد فوق نمی‌شود. واقعیت این است که طراحان میثاق از تعریف دقیق سطح زندگی کافی سر باز زده‌اند و حتی در متون آکادمیک یا در رویه قضایی تعریف شناخته‌شده‌ای از سطح کافی زندگی وجود ندارد و دامنه این حق بسیار وسیع باقی مانده است (Craven, 1995: 43). بنابراین، سطح زندگی کافی زمانی محقق می‌شود که افراد در شرایطی زندگی کنند که دسترسی کافی به آب داشته باشند. با این وصف، با قدری مذاقه می‌توان به حقانیت تفسیر کمیته پی برد. چه، حق بر دسترسی به آب نه‌تنها همانند سایر حقوق از جمله حق بر مسکن و غذا برای برخورداری از سطح کافی زندگی ضروری است، بلکه برای زنده ماندن و برخورداری از زندگی شرافتمندانه نیز لازم است (Winkler, 2012: 35). به‌نوعی، هرگونه تفسیر دیگری با هدف و موضوع بند ۱ ماده ۱۱ میثاق حقوق اجتماعی مغایر خواهد بود و به‌نظر می‌رسد استنباط حق بر آب از دل حق بر سطح کافی زندگی معقول و صحیح باشد؛ کما اینکه گزارشگر ویژه حق بر مسکن نیز حق بر آب را عنصری بنیادین برای تحقق حق بر مسکن اعلام کرده است (UN Doc E/CN.4/2003/5/Add.1: paras 47-49).

۲. حق بر بهداشت

بند ۱ ماده ۱۲ میثاق اجتماعی حق هر کسی را برای بهره‌مندی از بالاترین استاندارد بهداشت جسمی و روانی تضمین می‌کند. اگرچه منظور میثاق این نبوده که حق بر سلامت را برای همه افراد بشر به‌طور قطع تضمین کند، ولی حق بر بهره‌مندی از تجهیزات، کالاها، خدمات و شرایطی را که برای برخورداری از سطح بالای بهداشتی ضروری باشند، در برمی‌گیرد (GC no 12, 2002: para 9). از این رو، حق بر دسترسی به آب آشامیدنی سالم و کافی بی‌تردید از عوامل فراهم‌کننده حق بر بهداشت بوده و نبود آن تهدیدی جدی برای سلامت انسان است و به همین دلیل کمیته حق بر آب را از بند ۱ ماده ۱۲ نیز استنباط می‌کند. حق بر آب جزو جدایی‌ناپذیر حق بر بهداشت است و همان‌طور که کمیته حقوق اجتماعی در تفسیر عام شماره ۱۲ بیان می‌دارد، حق بر بهداشت صرفاً محدود به خدمات مراقبتی بهداشتی نخواهد بود، بلکه تاریخچه پیش‌نویس این حق نشان می‌دهد که تحقق حق بر بهداشت متضمن وجود عوامل اقتصادی و اجتماعی زیادی است. یکی از این عوامل قطعاً دسترسی به آب آشامیدنی سالم است (GC no 14, 2013: para 4). اگرچه در روزگار تدوین میثاق اجتماعی معضل کمبود آب وجود نداشته و هرگز بحران کمبود آب مطرح نبوده است، اما این نکته مهم همواره مغفول مانده که بین موجود بودن آب و امکان دسترسی به آن تفاوت فاحشی وجود دارد؛ چراکه حتی در آن دهه‌ها نیز به‌رغم اینکه کمبود آب معضل نبوده، ولی افراد فراوانی در سراسر گیتی از حق دسترسی به آب محروم بوده‌اند (کاپونتر، ۲۰۰۷: ۳۵). با این وصف، این تردید قوت می‌گیرد که ضرورت آب به‌جای اینکه به‌درستی بررسی می‌شد، اتفاقاً مورد غفلت واقع شده است. بنابراین، دسترسی به آب آشامیدنی سالم جزو عناصر بنیادین حق بر بهداشت است. این تفسیر در پرتو رابطه علی و معلولی محکمی که بین آب آشامیدنی ناکافی و مریضی یا مرگ وجود دارد، بسیار معقول و منطقی می‌نماید. امراضی مانند تراخیم، اسهال و طاعون و بسیاری دیگر معلول نبود آب آشامیدنی است و روزانه جان ۴۰۰۰ کودک را می‌گیرد (UNWWD, report 2, 2006: 204). در ضمن، تفسیر عام شماره ۱۴ نیز دسترسی به آب آشامیدنی را یکی از تعهدات دولت‌ها برای تضمین حق بر بهداشت می‌داند. راهبرد کمیته در جهت استنباط حق بر دسترسی به آب از حق بر بهداشت توسط دیگر نهادهای معاهداتی ملل متحد اعمال شده است. برای نمونه، کمیته حقوق کودک که وظیفه نظارت بر رعایت کنوانسیون حقوق کودک را به‌عهده دارد، همین موضع را در تفسیر خود اتخاذ کرده است (UN Doc C/C/GC/7/Rev.1 para 7(a)). در ضمن، گزارشگر سابق ملل متحد در خصوص حق بر بهداشت بر این امر صحنه گذاشته که حق بر بهداشت به مؤلفه‌های بنیادین بهداشتی از جمله دسترسی به آب سالم و آشامیدنی تسری می‌یابد (UN Doc A/58/427 paras 51, 53(c)& (d)).

۳. حق بر غذا

میثاق اجتماعی در بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۱ حق بر غذا را به‌عنوان بخشی از حق بر سطح زندگی کافی بیان کرده و در بند ۲ همین ماده آن را یکی از عناصر مهم حق بنیادین بر رهایی از گرسنگی به رسمیت شناخته است. کمیته در تفسیر عام شماره ۱۲ خود حق بر آب را یکی از عناصر متشکله حق بر غذا دانسته و همچنین تأکید کرده که حق بر آب به‌نحو جدایی‌ناپذیری با حق بر غذای کافی در ارتباط است (GC no 12, 1991: para. 8). به‌طوری‌که کمیسیون سابق حقوق بشر از گزارشگر ویژه حق بر غذا درخواست کرد تا با توجه به ارتباط وثیق بین حق بر غذا و آب آشامیدنی توجه ویژه‌ای به ارتباط میان آنها داشته باشد. به همین سبب، گزارشگر ویژه حق بر غذا در گزارش بعدی خود تأکید کرد که حق بر غذا صرفاً شامل حق بر غذای جامد نبوده، بلکه تغذیه مایع و آب آشامیدنی و عناصر ضروری را نیز در برمی‌گیرد. آب جزء لاینفک حق بر غذاست، زیرا هم برای تولید غذا و هم خود به‌عنوان غذا اهمیت بنیادین دارد (Hilderling, 2006: 405-407). تأکید بر فراهم ساختن آب به‌عنوان عنصری ضروری البته توسط گزارشگر حق بر مسکن مناسب نیز مطرح شده است (GC no 4, 1990: annex 2 para 7). فائو نیز دسترسی به امنیت غذایی را بدون وجود آب کافی برای تولید غذا ناممکن می‌داند (FAO, CESCR 29th sess. 22 Nov. 2002, Geneva, p 2). این اهمیت حتی در جوامع کشاورزی، سنتی و برای مردمان بومی به‌ویژه در مناطقی که دامداری رواج دارد، دوچندان است. بدیهی است که این رویکرد در پرتو دیدگاه همبستگی میان حق‌های بشری مقبولیت می‌یابد، و‌گرنه حق بر آب و حق بر غذا از همدیگر منفک بوده و دو حق مستقل‌اند.

۲. حق بر آب در آیین تفسیر عام شماره ۱۵ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

تفسیر عام شماره ۱۵ مصوب ۲۰۰۲ کمیته حقوق اجتماعی مهم‌ترین سندی است که تاکنون برای طرح حق بر آب و فهم مبانی حقوقی و محتوی هنجاری آن از جمله رابطه محتوای هنجاری این حق با سایر حقوق اقتصادی و اجتماعی صادر شده است. این کمیته بر اجرای میثاق اجتماعی نظارت دارد و معتبرترین تفسیر را از مواد میثاق ارائه می‌دهد. در سال ۲۰۰۲ مهم‌ترین تفسیر خود را از مواد ۱۱ و ۱۲ میثاق به‌عمل آورد و طی آن به‌صراحت حق بر آب را به‌عنوان حقی مستقل ولی در چارچوب میثاق اجتماعی در حقوق بین‌الملل اعلام کرد (GC no 15, 2002: para 3). این تفسیر با تأکید بر این واقعیت شروع شده که آب منبع طبیعی محدود و کمیابی بوده و یک کالای عمومی و منفعت عمومی بنیادین است که برای سلامتی و حیات بشر ضروری است و باید تحت قوانین خاصی نیز مدیریت شود. تفسیر مذکور شامل ۶۰ بند است و در عین حال که فهم معاصر ما را از حق بر آب در سطوح ملی و بین‌المللی شکل می‌دهد، به‌صراحت به توصیف محتوای هنجاری حق بر آب می‌پردازد و تعهدات دول عضو را

برای اجرای این حق برمی‌شمارد. تفاسیر عام این کمیته حقوق جدیدی را ابداع یا حتی شناسایی نمی‌کنند (Tassin, 2017:112). در عین حال، نقش این تفاسیر از لحاظ حقوقی بسیار بااهمیت است و تعهدات دولت‌ها را در اجرای حقوق مندرج در میثاق تشریح می‌کنند (COHRE, 2008:C). در این تفسیر، شیوه غایت‌انگارانه و همچنین استنتاجی به‌کاررفته تا با توجه به موضوع و هدف میثاق تفسیر موسعی به‌عمل آید و رژیم حمایتی مندرج در میثاق اجتماعی را که به‌صراحت ذکری از آن نشده است، تقویت کند. تفسیر عام شماره ۱۵ در رویه مراجع قضایی و شبه‌قضایی از جمله دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیسیون آفریقای به‌کار گرفته شد و کمک کرد تا ابهامات و خلأهای موجود در میثاق را در راستای هدف و موضوع آن در میدان عمل ساماندهی کنند (Winkler, 2008:15). بی‌تردید اعلام حق بر آب از سوی این کمیته به‌نوعی طرح یک پارادایم جدید است. در وهله اول، زمانی که کمیته اشاره می‌کند که تضمین حق بر آب پیش‌نیاز تحقق سایر حقوق است، این رویکرد مابین دو میثاق اجتماعی و سیاسی ارتباط ایجاد می‌کند (Chaisse, 2017:112). ثانیاً، برخلاف گذشته که به آب به‌عنوان کالای اقتصادی و نیاز انسانی نگریسته می‌شد، بعد از ابتکار عمل کمیته به‌نحو روزافزونی آب به‌عنوان حق قابل مطالبه بشری مطرح می‌شود (ICSID Award, 2010: paras 25-26). تفسیر یادشده بسیار جامع و کامل است و در بند ۲ آن حق بر آب و دامنه آن بدین شرح تعریف شده است: «حق بر آب، هر فردی را مستحق می‌کند تا به آب کافی، سالم، قابل قبول، قابل دسترس و قابل تهیه برای مصارف شخصی و داخلی دسترسی داشته باشد. میزان کافی آب سالم برای جلوگیری از تلف شدن از تشنگی، کاهش خطر ابتلا به بیماری‌های مرتبط با آب و همچنان مصارف شخصی، آشپزی، بهداشت فردی و خانوادگی ضروری است» (GC no 15, 2002: para 2). مقدار آب کافی در شرایط متفاوت متغیر خواهد بود، اما کمیته سه عامل را تشریح کرده که در تمامی شرایط قابل اعمال هستند. اولین آنها بحث موجودیت آب است که تأمین آب برای هر فرد جهت مصارف شخصی و خانگی باید به‌طور مداوم تضمین شود. دومین عامل کیفیت است که آب مورد نیاز باید سالم بوده و عاری از هرگونه آلودگی مضر برای سلامت فرد باشد. سومین عامل دسترسی داشتن است که از منظر کمیته دارای چهار جنبه متداخل از جمله دسترسی فیزیکی، دسترسی اقتصادی، عدم تبعیض و دسترسی اطلاعاتی است (GC no 15, 2002: para 12). کمیته از دول عضو میثاق اجتماعی می‌خواهد تا اقدامات مؤثری را برای تحقق حق بر آب بدون تبعیض انجام دهند. بنابراین، کمیته در این تفسیر بر آن نیست تا صرفاً دولت‌ها را به اجرای این حق برانگیزد، بلکه گام را فراتر نهاده و از شیوه‌های متفاوت استمداد می‌گیرد تا به‌طور کلی در سه سطح تحلیلی نیت خود را بیان کند: ۱. اشتقاق و استنباط؛ ۲. مرکزیت و ضرورت؛ ۳. شناسایی قبلی. کمیته از این سه عنصر استفاده می‌کند تا بتواند موجودیت حق بر آب را اعلام کند و از این‌رو با اتکا به مفاد ماده ۱۱ میثاق (حق بر استاندارد

کافی زندگی) یک حق مستقل را اعلام می‌دارد. ماده ۱۱ میثاق مقرر می‌دارد: ۱. «کشورهای طرف این میثاق، حق هر کس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند...». کمیته تأکید خاصی بر کلمه «شامل» در عبارت «شامل غذا، پوشاک و مسکن» گذاشته است و اظهار می‌دارد با قرار گرفتن لفظ «شامل» در ابتدای فهرست غذا، پوشاک و مسکن این معنی مستفاد می‌شود که این فهرست جامع و کامل نبوده و فهرست حقوق مندرج در ماده ۱۱ به تمامی ذکر نشده است. کمیته در توجیه این رویکرد می‌گوید هدف ماده ۱۱ تأمین استاندارد کافی برای زندگی بوده و تأمین این حق اگر با افزودن حق بر آب در کنار غذا، پوشاک و مسکن باشد موضوع و هدف معاهده در ماده ۱۱ (۱) به مراتب بهتر تأمین می‌گردد (GC no 15, 2002: para 3). در ضمن، همین رویکرد بارها توسط دیوان اروپایی حقوق بشر تأیید شده و دیوان نیز خود در تفسیر برخی از اسناد حقوق بشری، حق بر محیط زیست را از سایر حق‌های بشری از جمله حق بر احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی استنتاج کرده است (ECHR Judgment, 1993, paras 24&27). کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم نیز با استناد به اشارات ضمنی که در سند منطقه‌ای به حق بر آب شده است، در قضیه زئیر رأی داد که قصور دولت زئیر در تأمین خدمات بنیادینی از جمله آب آشامیدنی سالم و برق و کمبود دارو مصداق نقض ماده ۱۶ یعنی حق بر بهداشت است (Afr. Comm. Communications, 1995, para. 47). همین کمیسیون در قضیه سراک نیز رأی داد که آلوده کردن منابع آب آشامیدنی توسط دولت یا نیروهای غیردولتی نقض ماده ۱۶ (حق بر بهداشت) و ماده ۲۴ (حق بر محیط زیست مطلوب) است (Afr. Comm. Communications, 2001: 41-50). از این رو، رویکرد کمیته و تفسیر عام شماره ۱۵ هرگز چیز بدیع و جدیدی نبوده، بلکه قبلاً نیز در رویه قضایی همین رویکرد اتخاذ شده است. به علاوه، تفاسیر مضیق از معاهدات معمولاً در حقوق بین‌الملل پذیرفته نیست، بلکه معاهدات باید در پرتو هدف و موضوع آنها تفسیر شوند (ICJ Rep, 2010: paras. 63-64). کمیته علاوه بر رویکرد غایت‌انگازانه تفسیری، رویکرد استنتاجی را نیز در تفسیر ماده ۱۱ میثاق اجتماعی اعمال کرده است. این کمیته سعی داشته تا حق بر آب را از سایر حقوقی که به صراحت در میثاق آمده‌اند، استنتاج کند. به طور خلاصه، عملکرد کمیته در ارائه تفسیر عام شماره ۱۵ در چهار قسمت قابل تقسیم‌بندی است: الف) محتوای هنجاری حق بر آب را تعریف می‌کند؛ ب) تعهدات اصلی دولت‌ها را در تأمین حق بر آب بیان می‌دارد؛ ج) موضوعات خاصی را برای اجرای میثاق ذکر می‌کند؛ د) اصول راهنمایی را برای مدیریت آب در سطح ملی برای دولت‌ها تعریف می‌کند (Lucy, 2016: 45).

ج) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

۱. حق بر حیات

یکی از حق‌هایی که می‌توان حق بر آب را از آن استنتاج کرد، حق ذاتی بر حیات است که در بند ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (از این پس «میثاق حقوق سیاسی») درج شده است. سؤال این است که آیا می‌توان از بطن حق بر حیات به لوازم تحقق آن یعنی دسترسی به آب کافی و سالم که دولت‌ها تعهد به احترام، حمایت و اجرای آن را دارند، دست یافت (Kiefer & Brolmann, 2005:186). قاعدتاً اگر زندگی را بدون آب ناممکن بدانیم، پاسخ مثبت است. برخی نویسندگان حق بر حیات را «حق ممتاز بشری» نام نهاده‌اند و معتقدند این حق تنها حق ماهوی است که در میثاق با وصف «ذاتی» آمده است. به‌علاوه، سلب آن ممنوع اعلام شده و این حتی شامل زمان‌های اضطرار عمومی که حیات یک ملت در معرض تهدید قرار می‌گیرد نیز است. حق بر حیات نباید محدود به حمایت از فرد در برابر محرومیت از زندگی تفسیر شود؛ بلکه در عوض دولت‌ها به موجب این حق موظف‌اند خط‌مشی‌هایی را اتخاذ کنند تا دسترسی به ابزارهای حیات و بقا از جمله دسترسی به آب برای تمامی مردمان در داخل سرزمینشان فراهم شود (Gleick, 1998: 493-494). این رویکرد موسع با اقتضائات روزگار معاصر همسویی بیشتری دارد و کمیته حقوق بشر ملل متحد نیز با تفسیر موسع از حق بر حیات موافق است (McCaffrey, 1993: 9). این کمیته در تفسیر عام شماره ۶ خود بیان می‌دارد که حق ذاتی بر حیات نباید به شیوه‌ای محدود درک شود و حمایت از این حق مستلزم اقدامات ایجابی از سوی دولت‌هاست. کمیته ادامه می‌دهد بهتر است تا دول عضو میثاق تمامی اقدامات ممکن را برای کاهش مرگ‌ومیر کودکان و افزایش امید به زندگی به‌ویژه با اتخاذ اقداماتی برای حذف سوءتغذیه و بیماری‌های مسری انجام دهد (UN Doc HRI/GEN/1/Rev.1 para 5). زمانی که حمایت از زندگی افراد به‌عنوان تعهد دولت‌ها مطرح شود، بدیهی است که دسترسی به آب جهت مصارف شخصی و خانوادگی نیز بخشی از این تعهد را تشکیل می‌دهد، زیرا گرسنگی، بی‌آبی و امراض مرتبط با بی‌آبی باید از قبل توسط دولت جلوگیری شوند. این خوانش از ماده ۶ میثاق در رویه قضایی داخلی برخی کشورها از جمله دیوان عالی هندوستان دیده می‌شود که تحقق حق بر حیات را منوط به تأمین نیازهای اساسی از جمله آب، تغذیه کافی، لباس، حق بر کسب معاش، مسکن، بهداشت و حق بر آموزش دانسته است. این دیوان ابراز داشته است که آب نیاز بنیادین بشر برای بقا و بخشی از حق بر حیات است و زیربنای سایر حقوق بشر را که در ماده ۲۱ قانون اساسی هندوستان مقرر شده است، تشکیل می‌دهد (Supreme Court of India, 2000, (10) SCC 664). در این تحقیق، بحث تقسیم‌ناپذیری و همبستگی تمامی حقوق بشر با همدیگر پذیرفته شده است، بنابراین با تفسیر موسع حق بر حیات که بخشی از تحقق آن را حق بر آب در برمی‌گیرد نیز موافق است. توجیه این رویکرد در این سؤال نهفته است که آیا تحقق حق بر حیات بدون دسترسی به آب آشامیدنی میسر است (Alston, 2017: 3)؟

جایگاه حق بر آب در حقوق بین‌الملل عرفی

هنوز در خصوص عرفی شدن حق بر آب مابین نویسندگان اتفاق آرا وجود ندارد (Viljoen, 2012: 28). حقوق بین‌الملل عرفی یکی از منابع اولیه حقوق بین‌الملل بوده و دیوان بین‌المللی دادگستری در جریان فعالیت قضایی خود ملزم است تا همواره در احراز عرف بکوشد. منظور از عرف بین‌المللی رویه پذیرفته شده‌ای است که از طرق تکرار منسجم و مداوم به قاعده الزام‌آور حقوقی مبدل شده است. عناصر عرفی شدن یک حق معمولاً مشتمل بر عنصر مادی یعنی رویه منسجم و مداوم به‌علاوه عنصر روانی یعنی اعتقاد حقوقی است (Weisburd, 1998: 295-296). دیوان در رأی مشورتی مشروعیت تهدید یا کاربرد تسلیحات هسته‌ای بیان داشت که با وجود شماری از قطعنامه‌های مجمع عمومی می‌توان شاهد ایجاد تحول تدریجی از حیث ایجاد اعتقاد حقوقی لازم برای احراز یک قاعده عرفی جدید شد. از نظر دیوان حقوق نرم مانند قطعنامه‌های مجمع عمومی می‌توانند در احراز یک قاعده عرفی جدید در برخی شرایط اثرگذار باشند (ICJ Rep, 1996: para.70). دیوان مزبور در رأی نیکاراگوئه نیز اعلام کرد که صرفاً وجود دو نوع از عناصر یادشده از جمله رویه منسجم یا جهانی و اعتقاد حقوقی برای اثبات عرف کفایت می‌کند. رویه عمومی؛ رویه‌ای است که بین دولت‌های که از این قاعده متأثر می‌شوند رعایت شود (ICJ Rep, 1986: para.14). پس برای احراز یک قاعده عرفی باید هر دو عنصر یادشده وجود داشته باشند. شایان ذکر است که احراز قاعده عرفی در حوزه حقوق بشر با سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل متفاوت است. حقوق بین‌الملل به‌طور سنتی به روابط بین دولت‌ها می‌پردازد و بر مبنای اصل عمل متقابل اعمال می‌شود، درحالی‌که حقوق بشر به روابط مابین دولت و شهروندان می‌پردازد و به‌نوعی برخلاف سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل در حوزه حقوق بشر دولت‌ها با همدیگر تعامل فیزیکی ندارند و همین مسئله موجب می‌شود تا حدودی بررسی رویه عمومی مابین دولت‌ها در بحث احراز عرفی شدن یک حق بشری قدری دشوارتر باشد. جست‌وجو برای احراز عرف باید در دو سطح داخلی و بین‌المللی صورت گیرد. در سطح داخلی طبق قوانین اساسی، شمار زیادی از دولت‌ها به‌صراحت یا به‌طور ضمنی مکلف شده‌اند تا در خصوص تأمین آب در برابر تمامی شهروندان خود پاسخگو باشند. نمونه بارز آن اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که در پرتو تأکید بر حق بر بهداشت به‌طور ضمنی اشاراتی به تأمین آب کرده است. مورد بعدی قانون اساسی دولت آفریقای جنوبی است که به‌طور صریح به حق بر آب در ماده ۲۷ اشاره کرده است. براساس همین ماده بارها در خصوص حق بر آب شکایاتی مطرح شده و دادگاه مبادرت به صدور رأی کرده است که نمونه بارز آن رأی مزیبوکو است (Constitutional Court of South Africa, 2010). به‌علاوه، کشورهای زیادی این حق را در

قانون اساسی خود گنجانده‌اند و شمار آنها در حال افزایش است.^۱ در ضمن اقدامات مکرر و یکسان دولت‌ها برای عملیاتی ساختن حق بر آب نیز می‌تواند دلیلی محکم بر شکل‌گیری رویه عمومی از سوی دولت‌ها باشد. به نوعی دولت‌ها دریافته‌اند که دسترسی به آب برای شهروندان یک تکلیف حقوقی است و باید آن را جدی تلقی کنند. مرحله دوم بررسی حق بر آب در سطح بین‌المللی است. شاهد این مدعا درج حق بر آب در شمار زیادی از اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها و بیانیه‌هاست که توسط دولت‌ها و نهادهای سازمان ملل تصویب شده‌اند و هر کدام اشاره‌ای صریح یا ضمنی به حق بر آب داشته‌اند. این اسناد اگرچه لازم‌الاجرا نیستند، می‌توانند دلیلی بر وجود قاعده عرفی باشند یا گامی جدی در جهت شکل‌گیری یک قاعده حقوقی به معنای سنتی کلمه تلقی شوند. اسناد مذکور در واقع نمایانگر نیت واقعی دولت‌ها و خطمشی آنهاست (Salman & M.Lankford, 2004:12). بنابراین با وجود شمار زیادی از اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های ذیل می‌توان پذیرش و اجماع بین‌المللی در خصوص حق بر آب را مشاهده کرد. اولین سند اعلامیه استکهلم بود که در سال ۱۹۷۲ در خصوص محیط زیست انسانی صادر شد و آب را به‌عنوان یکی از منابع طبیعی ضروری و کمیاب که باید برای نسل‌های آینده نیز محافظت شود شناسایی کرد. دومین کنفرانس ملل متحد که برنامه عمل مار دل پلاتا را در ۱۹۷۲ تصویب کرد. سپس در سال ۱۹۷۹ کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان نیز به تصویب رسید. در این کنوانسیون نیز بر حق بر آب برای زنان و به‌ویژه زنان روستایی تأکید شد (CEDAW art. 14). (h) (2). همین مطلب در سال ۱۹۸۹ مورد حمایت کنوانسیون حقوق کودک قرار گرفت. بعداً، نوبت به کنفرانس ملل متحد موسوم به دستور کار ۲۱ در مورد توسعه و محیط زیست در سال ۱۹۹۲ رسید و در نهایت بیانیه دوبلین و اصول آب مطرح شد. اقدام مهم دیگر تصویب کنوانسیون حقوق حاکم بر کاربردهای غیردریانیوردی آبراه‌های بین‌المللی در سال ۱۹۹۷ بود. در این بین مهم‌ترین اتفاق، اقدام کمیته حقوق اجتماعی بود که با ارائه تفسیر عام شماره ۱۵ در سال ۲۰۰۲ رسماً حق بر آب را مطرح کرد و عنوان تفسیر عام یادشده نیز به حق بر آب مزین شد (CESCR, GC no 15, 2002). در این تفسیر از حق بر آب به‌عنوان حق مجزا در حقوق بین‌الملل نام برده شد. شورای حقوق بشر نیز در سال ۲۰۰۸ سازوکار خاصی با عنوان کارشناس مستقل برای آب آشامیدنی و بهداشت منصوب کرد که در مارس ۲۰۱۱ به گزارشگر ویژه تبدیل شد (A/HRC/Res/16/2). در دو دهه گذشته به‌ویژه از سال ۲۰۱۰ تاکنون اقدامات حائز اهمیتی در این حوزه در چارچوب ملل متحد یعنی مجمع عمومی و شورای حقوق بشر رخ داده است. تجلی این رخدادها در قالب قطعنامه‌های بوده که حق بر

۱. بلژیک، آفریقای جنوبی، اوگاندا، تونس، پاناما، نیجر، کنیا، اندونزی، مالدیو، مجارستان، اتیوپی، اکوادور، شیلی، کنگو، کستاریکا، اریتره، گامبیا، غنا، پاکستان، فیلیپین، ونزوئلا، ایران و بسیاری از کشورهای دیگر.

آب را به رسمیت شناخته‌اند (A/RES/64/292). بنابراین، آب در سال ۲۰۱۰ توسط ارگان‌های ملل متحد به‌عنوان یک حق بشری مطرح شد و در برخی اسناد بین‌المللی و حتی در برخی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بین‌الملل محیط زیست، حقوق بین‌الملل آب و حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت. در نهایت، اگرچه اسناد یادشده الزام‌آور نیستند، حقوق نرم تلقی می‌شوند و می‌توانند شواهد محکمی در جهت عرفی شدن حق بر آب باشند. وجود همین اسناد در پدیداری ماهیت حقوقی الزام‌آور حق بر آب که زمانی صرفاً یک نیاز حیاتی انسانی تلقی می‌شد، بسیار مؤثر بوده‌اند. با این وصف، می‌توان ادعا کرد که گام‌های اولیه برای احراز قاعده عرفی برداشته شده است. شاهد این ادعا علاوه بر قوانین اساسی دولت‌ها و رویه محاکم ملی و بین‌المللی شمار زیاد اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها، تفسیر عام شماره ۱۵ و اسنادی است که ارکان مختلف ملل متحد در این زمینه تصویب کرده و همچنین عدم اعتراض دولت‌ها به وجود این حق است. علاوه بر این حتی در رویه داخلی برخی کشورها شاهد حمایت محاکم داخلی نیز هستیم. طرفداران حق بر آب معتقدند که هم دولت‌ها و هم بازیگران خصوصی در برابر بحران کمبود آب، آلودگی آن و فشار بخش خصوصی برای تجاری ساختن این صنعت برای کسب سود بیشتر، در صورت قصور، باید قابل تعقیب در محاکم باشند (Angel et al., 2019: 1-2). این امر در رویه داخلی برخی کشورها از جمله آفریقای جنوبی و هندوستان به خوبی مشهود است. رویه این محاکم خود نشان از عرفی شدن حق بر آب است، چراکه این روند در حال فزونی است.

الف) آفریقای جنوبی

حق بر آب در ماده ۲۷ قانون اساسی این کشور به‌صراحت ذکر شده و بارها در رویه قضایی محاکم داخلی آفریقای جنوبی مطرح و مورد حمایت بوده است. چند نمونه از آرای صادره از محاکم این کشور به‌اختصار بیان می‌شوند. رأی گروتبروم شاید اولین رأی مهم (Constitutional Court of South Africa, 2000) است که طی آن دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی در خصوص وضعیت خانم گروتبروم که همراه با فرزندانش به‌سبب فقر و عدم پرداخت قبض آب و برق از محل زندگی‌شان بیرون رانده شده بودند، حکم داد که دولت باید مطابق با ماده ۲۷ قانون اساسی حق بر آب این خانم و فرزندانش را به‌همراه سایر حقوق اقتصادی و اجتماعی آنان محترم بشمرد و حتی به آنها خسارت بپردازد (Constitutional Court of South Africa, 2010, para. 4). مورد دیگر رأی بون ویست (High Court of South Africa, 2010) بود که دادگاه عالی این کشور قطع آب آشامیدنی مردم به‌سبب ناتوانی در پرداخت قبض آب را بررسی کرد و اظهار داشت که این امر نقض قانون اساسی و همچنین حق بر آب مردم است (High Court of South Africa, para. 20). دادگاه همچنین اظهار داشت که

قطع کردن آب باید طی روندهای منصفانه و عادلانه صورت می‌گرفت و نایبستی در هیچ شرایطی به عدم دسترسی مردم به آب منجر می‌شد (High Court of South Africa, para 27). با این وصف، دادگاه رأی داد که مقامات دولتی باید آب آشامیدنی را برای ساکنان آن محل فراهم کنند و حتی در صورت عدم توانایی در پرداخت قبض آب باید حداقل آب مورد نیاز برای آنها فراهم شود؛ جالب اینکه دادگاه در این رأی به تفسیر عام شماره ۱۵ کمیته حقوق اجتماعی اشاره کرد (High Court of South Africa, para 56). اما شاید بااهمیت‌ترین رأی صادره از محاکم آفریقای جنوبی رأی مزیبوکو (High Court of South Africa, 2008) است. در این رأی، دیوان عالی حکم کرد که نصب کنتورهای شارژی آب در مناطق فقیرنشین اقدامی مغایر با حقوق شهروندان در قانون اساسی است، زیرا مادامی که مبلغ شارژ شده در این کنتور به اتمام می‌رسید، آب مصرفی شهروندان نیز قطع می‌شد. دادگاه دستور داد لغو این کنتورها متوقف شود و به این بهانه نباید دسترسی شهروندان به آب را قطع کرد (High Court of South Africa, 2008: para 84). این رأی در مرحله تجدیدنظر تأیید شد، ولی در دادگاه قانون اساسی بخش‌های از آن اصلاح شد.

ب) رویه قضایی در هندوستان

حق بر آب نه در قانون اساسی هند و نه در سایر قوانین آن به صراحت مورد حمایت قرار نگرفته است. اما محاکم هند در غیاب حمایت صریح قانونی حق بر آب را در پرتو تفسیر ماده ۲۱ قانون اساسی این کشور (حق بر حیات) مورد حمایت قرار داده است (Hardberger, 2005: 331). اگرچه در ساختار قانون اساسی هندوستان به موجب ماده ۳۷ حقوق اقتصادی و اجتماعی ضمانت اجرایی قضایی ندارند، اما محاکم با تفسیر موسع از حق بر حیات که یک حق مدنی و سیاسی بوده و نقض آن قابل تعقیب در محاکم بوده حق بر آب را از دل آن استنباط کرده است. دیوان عالی هند برای اولین بار در رأی فرانسیس کارولی مولین Supreme Court of India, 1981) حکم داد که حق بر حیات شامل زندگی با کرامت و تمامی لوازم ضروری آن است. در این رأی دیوان عالی به عناصر ضروری زندگی از جمله آب، تغذیه مناسب، پوشش و مسکن اشاره کرد.^۱ در رأی دیگر موسوم به ام. سی. مهتا (Supreme Court of India, 1988 همان دیوان اعلام کرد که حفاظت از محیط زیست رودخانه گنگ به‌عنوان یک تعهد قانونی در قانون اساسی باید مورد حمایت باشد و از این پس انداختن جسدهای سوخته و نیمه‌سوخته در این رودخانه باید متوقف شود، زیرا حفاظت از آب به

۱. علت عدم درج شماره بندها و یا صفحه این است که آرای صادره از دیوان عالی هند در تارنمای این دیوان فاقد شماره صفحه یا بند هستند.

موجب قانون اساسی از وظایف دولت است. رأی مهم دیگر در این خصوص آتاکویال تنگال (*Kerala High Court, 1990*) نام داشت. در این رأی ساکنان یک منطقه از تصمیم دولت برای استخراج آب و انتقال آن به منطقه‌ای دیگر به سبب خطر مواجه شدن با کمبود آب آشامیدنی شکایت کرده بودند. دادگاه به نفع خواهان‌ها رأی داد و استدلال کرد که حمایت از حق بر آب در واقع حمایت از حق بر حیات است که در ماده ۲۱ قانون اساسی هندوستان درج شده است (*Kerala High Court, 1990. para 8*).

رویه داورهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی مربوط به آب

در این بخش به واکاوی سه قضیه مهم می‌پردازیم که در آنها حق بر آب نزد دیوان‌های داورهای ایکسید مورد قضاوت قرار گرفته است. در هر سه قضیه حق بر آب به رسمیت شناخته شده است.

الف) قضیه اورباسور^۱

حق بر آب در داورهای سرمایه‌گذاری: دیوان ایکسید شاید اولین دیوان داورهای باشد که ادعای متقابل آرژانتین را بر مبنای حقوق بشر پذیرفت، اگرچه در نهایت در ماهیت خود را صالح ندانست. نکته بسیار مهم این بود که دیوان در استدلالات خود از همان ابتدا این تفکر قدیمی را رد کرد که تعهدات حقوق بشری فقط بر عهده دولت‌ها بوده و بازیگران غیردولتی

۱. شرح ماقع: (*ICSID Award, 2016*) در این قضیه دو شرکت اسپانیایی که در اینجا خواهان یا "اورباسور" نامیده می‌شوند، قرارداد ارائه خدمات آب و فاضلابی را با دولت آرژانتین جهت آبرسانی به مناطق فقیر این کشور منعقد کردند. از طرفی، شرکت مذکور در ارائه میزان خدماتی که در قرارداد مورد توافق قرار گرفته بود، موفق نبود. از طرف دیگر، زمان اجرای این قرارداد همزمان با بحران مالی در آرژانتین در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۲ شد (*ICSID Award, 2016: para. 34*). دولت آرژانتین برای کاهش فشار ناشی از بحران مالی داخلی خود مجبور شد تا شرکت اورباسور را تحت فشار قرار دهد تا قیمت ارائه خدمات آب را کاهش دهد و از متوقف ساختن ارائه این خدمات به سبب ناتوانی مردم فقیر در پرداخت قبض آب خودداری ورزد. این اقدام دولت آرژانتین موجب شد تا شرکت اورباسور ابتدا با زیان مالی زیادی مواجه شده و در نهایت ورشکسته شود. اورباسور در دفاع از خود دادخواستی را علیه دولت آرژانتین نزد دیوان داورهای ایکسید به ثبت رساند (*ICSID Award, 2016: para. 35*). خواهان مدعی شد که دولت آرژانتین معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه فی‌مابین اسپانیا و آرژانتین (۱۹۹۱) را با اقدامات تبعیض‌آمیز، خودسرانه و نامعقول نقض کرده است (*ICSID Award, 2016: para. 3*). وی همچنین مدعی شد اقدامات یادشده مصداق بارز مصادره بوده و همچنین معیار رفتار عادلانه و منصفانه نیز نقض شده است. آرژانتین نیز به‌عنوان خواننده دادخواست متقابلی را ثبت کرد و در مقام دفاع اظهار داشت که قصور اورباسور در ارائه اولیه خدمات و سوء مدیریت آن به نقض حق بر آب شهروندان و همچنین شکست پروژه منجر شده است (*ICSID Award, 2016: para. 1165*).

در این زمینه تکلیفی ندارند (ICSID Award, 2016: para. 1193). بنابراین، اقدامات این دولت نه تنها نقض تعهداتش به موجب عهدنامه دوجانبه یادشده نبود، بلکه این اقدامات در راستای تعهدات حقوق بشری این دولت به موجب قانون داخلی آرژانتین و حقوق بین‌الملل بوده است. آرژانتین مدعی بود که اقدامات خواهان موجب شده بود تا دسترسی آسان شهروندان به آب و استطاعت پرداخت هزینه آن ناممکن شود. (ICSID Award, 2016: paras. 36-37). دیوان باید در خصوص تثبیت قیمت قبض آب و پیامدهای آن نیز تصمیم می‌گرفت. اگرچه خواهان ادعای نقص معیار رفتار عادلانه و منصفانه از سوی دولت آرژانتین داشت، ولی دیوان نقض این معیار را در پرتو تعهدات حقوق بشری دولت آرژانتین برای تأمین آب شهروندان تفسیر و اعلام کرد که این دولت در جهت تأمین مداوم حق بر آب شهروندان به‌ناچار دست به این اقدام زده است. دیوان در حکم خود در تطبیق تعهدات حقوق بشری با تعهدات سرمایه‌گذاری دولت آرژانتین اظهار داشت که دولت آرژانتین باید همزمان هر دو گونه تعهدات را رعایت می‌کرد (ICSID Award, 2016: para. 720). دیوان اعلام کرد که دولت آرژانتین باید تهیه میزان آب مورد نیاز مردم را به‌عنوان یک حق بنیادین بشری انجام می‌داد، ولی همزمان در نظر می‌داشت که بخشی از انتظارات مشروع خواننده نیز جزو حقوق بشر است (ICSID Award, 2016: paras. 623-624). دیوان متقاعد نشد که اقدامات اضطراری آرژانتین عامل شکست سرمایه‌گذاری بوده و این اقدامات را فی‌نفسه عامل نقض معیار رفتار عادلانه و منصفانه و همچنین مصادره تلقی نکرد. (ICSID Award, 2016: para. 680). علت این بود که نقض معیار مذکور را در پرتو تعهدات حقوق بشری آرژانتین برای تأمین حق بر آب مردمانش تعبیر کرد. دیوان حتی دفاع آرژانتین را در این خصوص پذیرفت، ولی اقدام آرژانتین را در نقض اصل رفتار عادلانه و منصفانه در معاهده دوجانبه نپذیرفت؛ اما نظر به قصور خواهان در انجام تعهدات خود، قرارداد امتیاز را محکوم به شکست دانست (ICSID Award, 2016: paras. 743-747). لیکن در نهایت به‌سبب قصور خواهان در ارائه خدمات ضروری، دیوان رأی به پرداخت غرامت از سوی خواننده نداد. (ICSID Award, 2016: paras. 846-848). دیوان در واقع اختلاف مابین تعهدات حقوق بشری و تعهدات حقوق سرمایه‌گذاری را بدین شکل حل کرد که اصول حقوق سرمایه‌گذاری از جمله انتظارات مشروع و رفتار عادلانه و منصفانه باید در پرتو هنجارهای حقوق بشری تفسیر شوند. شایان ذکر است اگرچه دیوان رفتار دولت آرژانتین را به‌سبب دفاع از حق بر آب مردم خود موجه دانست، ولی در عین حال ساختارهای موجود حقوق بشر را به چالش طلبید تا تعهد الزام‌آوری را برای بازیگران غیردولتی تعریف کند (ICSID Award, 2016: para. 1199).

ب) قضیه آکوینجا^۱

حق بر آب در داوری سرمایه‌گذاری: بعد از اعتراض آرژانتین به صلاحیت دیوان و بررسی محتوای قرارداد امتیاز، ابتدا پذیرفته شد که بررسی اختلافات ناشی از قرارداد صرفاً در صلاحیت محاکم داخلی استان توکمان باشد (2: *ICSID Award, 2000*). از طرفی آرژانتین نیز استدلال می‌کرد که اقدامات مقامات استان به موجب قانون اساسی این کشور قابل انتساب به دولت فدرال نخواهند بود. اما دیوان با استناد به معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری مذکور و ماده ۲۵ کنوانسیون ایکسید، صلاحیت خود را پذیرفت و ادعای آرژانتین را رد کرد (*ICSID Award, 2000: para 49*). دیوان نتیجه گرفت که دولت آرژانتین را نمی‌توان به موجب معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری مسئول شناخت، زیرا خواهان‌ها در وهله اول باید به دادگاه‌های داخلی توکمان مراجعه می‌کردند و بنابراین بدون طی آن مرحله احراز نقض معاهده دوجانبه ناممکن است (*ICSID Award, 2000, para. 79*). علت این بود که حق تفسیر و اجرای قرارداد امتیاز فقط به آن محاکم واگذار شده بود. با این وصف، دیوان در خصوص نقض معیار رفتار عادلانه و منصفانه نیز اعلام کرد که خواهان‌ها باید اثبات کنند که اقدامات مقامات استان توکمان به آستانه نقض مفاد معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری رسیده است (82: *ICSID Award, 2000: para.*). بعد از رد ادعاهای خواهان‌ها، آنها نیز نزد کمیته ابطال خواستار ابطال جزئی حکم شده و مدعی بودند که دیوان فراتر از اختیارات و صلاحیت خود عمل کرده است (*ICSID Decision on Annulment* 2007: para 2). کمیته اعلام کرد که اتفاقاً دیوان برخلاف تصور خود صلاحیت داشته است تا تصمیم خود را با استناد به مفاد قرارداد امتیاز اتخاذ کند. کمیته یادآوری کرد که یک دولت ممکن است معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه را بدون نقض قرارداد امتیاز نقض کند و برعکس (*ICSID Decision on Annulment, 2007: para. 95*). لکن در خصوص آورده قضیه آکوینجویا در خصوص حق بر آب باید گفت که اولاً در استان توکمان بحران آب وجود نداشت و در زمانی که مقامات این استان تصمیم به امضای قرارداد امتیاز با بخش خصوصی گرفتند، باید در آن زمان دو نکته، یکی تثبیت قیمت آب و دیگری تضمین کیفیت را در نظر می‌گرفتند. در حقیقت خود آنها با انکار این معیارها حق بر آب را به‌طور ضمنی نقض کردند. دولت‌ها برای

۱. شرح ماوقع: (*ICSID Award, 2000*) یک شرکت فرانسوی (Eaux) با همتای آرژانتینی خود (Aconquija) قرارداد امتیاز سی‌ساله‌ای را با استان توکمان در خصوص ارائه خدمات آب و فاضلاب در ۱۹۹۳ به امضا رساندند. در سال ۱۹۹۶ فرماندار توکمان اعلام کرد که قیمت قبض آب باید کاهش یافته و برخی از مفاد قرارداد را نیز به‌طور یکجانبه تغییر داد. سرمایه‌گذاران نیز در جواب قرارداد را فسخ کردند و دادخواستی را نزد ایکسید علیه دولت آرژانتین به ثبت رساندند (*ICSID Award, 2000: para. 3*). آنها مدعی بودند که آرژانتین تعهدات خود را به موجب مواد ۳ و ۵ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری فیما بین فرانسه و آرژانتین و همچنین حقوق بین‌الملل در بحث رعایت معیار رفتار عادلانه و منصفانه و همچنین مصادره ایفا نکرده است (*ICSID Award, 2000: para. 33*).

تضمین حق بر آب شهروندان خود در زمانی که در حال مذاکره با بخش خصوصی‌اند، باید معیارهای تضمین حق بر آب را در قرارداد امتیاز بگنجانند. نکته دیگر این است که قسمت عمده حکم صادره در قضیه آکونکیجا مربوط به بحث‌های صلاحیتی است. با نگاهی به قرارداد مابین توکمان و آکونکیجا روشن است که صلاحیت انحصاری رسیدگی به اختلافات ناشی از قرارداد به محاکم داخلی توکمان سپرده شده است. این قضیه هشدار می‌دهد که دولت‌های سرمایه‌پذیر که اعطای صلاحیت انحصاری به محاکم داخلی هرگز تضمین نمی‌کند که اختلاف ناشی از قرارداد، طبق معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری و کنوانسیون ایکساید، کاملاً از صلاحیت دیوان ایکساید خارج شود. تصمیم کمیته به‌خوبی این واقعیت را منعکس می‌سازد. بنابراین دولت‌ها از همان ابتدای مذاکره برای انعقاد قرارداد باید تمامی جنبه‌های تأمین حق بر آب را مدنظر داشته و تصور نکنند با اعطای صلاحیت انحصاری به محاکم داخلی می‌توانند علی‌الاطلاق مانع تضييع حق بر آب شهروندان از طرف سرمایه‌گذارهای خارجی شوند.

ج) قضیه آزوریکس^۱ علیه آرژانتین

حق بر آب در داوری سرمایه‌گذاری: دیوان نیز آرژانتین را محکوم به پرداخت مبلغ ۱۶۵ میلیون دلار کرد و اعلام داشت که مقامات آرژانتینی به‌جای کمک در حل بحران با بهره‌گیری سیاسی از اختلاف، به‌نوعی بیشتر به آن دامن زده و علت بروز اختلاف را تا حدودی مربوط به تجهیزات آبرسانی فرسوده‌ای دانست که سال‌ها تعمیر نشده‌اند. (ICSID Award, 2006: para. 144). دیوان در ادامه آرژانتین را مسئول دانست که اصل معیار عادلانه و منصفانه را با دخالت سیاسی نامعقول با توجه به انتظارات مشروع سرمایه‌گذار رعایت نکرده است (ICSID Award, 2006: para. 316). به‌علاوه، آرژانتین را به‌سبب نقض تعهد خود در تأمین امنیت و حمایت برای ایجاد محیط امن سرمایه‌گذاری نیز مسئول دانست. دیوان ادامه داد که رفتار خودسرانه

۱. شرح ماقوع: (ICSID Award, 2006) در سال ۱۹۹۹ شرکت آمریکایی آزوریکس قرارداد امتیاز ۳۰ ساله‌ای را در خصوص ارائه خدمات آب و فاضلاب با استان بوئنس آیروس در آرژانتین امضا کرد. در سال ۲۰۰۰ اختلافاتی در خصوص کیفیت نامطلوب آب مابین طرفین ایجاد شد. مقامات استان به مردم توصیه کردند تا اولاً آب را قبل از مصرف بجوشانند و ثانیاً از پرداخت قبض آب خودداری ورزند. شرکت آزوریکس علت کیفیت نامطلوب را منتسب به مقامات یادشده کرد و اظهار داشت که آنها طی قرارداد امتیاز متعهد بودند تا تجهیزات آبرسانی را تعمیر کنند، ولی در عمل هیچ کاری انجام ندادند. آزوریکس اقدام مقامات بوئنس آیروس در تشویق مردم به عدم پرداخت قبض آب را در واقع دخالت در پروژه سرمایه‌گذاری محسوب کرد و از این‌رو قرارداد امتیاز را فسخ و متعاقباً بر مبنای معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری بین آمریکا و آرژانتین دادخواستی را علیه دولت آرژانتین نزد دیوان داوری ایکساید به ثبت رساند. آزوریکس مدعی بود که اقدامات آرژانتین ناقض اصول رفتار عادلانه و منصفانه و تأمین حمایت و امنیت سرمایه‌گذار بوده و در نهایت به مصادره منجر شده است.

دولت آرژانتین یعنی تشویق مردم به عدم پرداخت قبض آب مغایر با معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری بوده است (ICSID Award, 2006: para. 408). دیوان صرفاً در دو مورد استدلال خواهان را رد کرد؛ اول اینکه، خواهان اعتقاد داشت با توجه به مبلغ کلانی که برای این پروژه سرمایه‌گذاری کرده، بنابراین بالا بردن قیمت آب مصرفی در مقاطعی معقول و منطقی بوده است (ICSID Award, 2006: para. 427). دیوان این استدلال را نپذیرفت و اعلام داشت که سرمایه‌گذار باید در ابتدا تمامی محاسبات خود را انجام می‌داد و نباید برخلاف مفاد قرارداد و بنا به برداشت خود اقدامی انجام دهد (ICSID Award, 2006: para. 424). به همین سبب دیوان این رویکرد غیرمعقول سرمایه‌گذار را حتی در محاسبه میزان غرامت نیز مدنظر قرار داد و کمتر از میزان انتظار وی حکم به پرداخت غرامت کرد (ICSID Award, 2006: para. 442). مورد دوم برداشت دیوان در مورد این نکته بود که اقدامات دولت آرژانتین به آستانه مصادره نمی‌رسد (ICSID Award, 2006: para. 322). دیوان به اصل تناسب که قبلاً توسط یکی از دیوان‌های ایکسید در قضیه تکمد علیه دولت مکزیک اتخاذ شده بود، اشاره کرد (ICSID Award, 2006, 2003: paras. 121-122) با این وصف، دیوان باید به نیت دولت سرمایه‌پذیر در اتخاذ آن اقدامات تنظیمی می‌پرداخت و بررسی می‌کرد که آیا اهداف و نحوه انجام آن اقدامات مشروع بوده است یا خیر (ICSID Award, 2006: para. 311). دیوان بعد از بررسی نتیجه گرفت که اقدامات یادشده دولت آرژانتین به آستانه مصادره نرسیده و ادعای خواهان را رد کرد (ICSID Award, 2006: para. 322). لکن، اگرچه دیوان با رد ادعای خواهان مبنی بر عدم مصادره به نفع دولت آرژانتین رأی داد، اما در عمل کمک چندانی به توسعه حق بر آب در حقوق بین‌الملل نکرد. درحالی‌که دیوان با استناد به نیت دولت آرژانتین در حمایت از حق بر آب و بهداشت عمومی اقدامات این دولت را توجیه کرد و فرصتی فراهم شد تا نقش حق بر آب را به‌نحو برجسته‌تری نشان می‌داد، اما این امر کاملاً محقق نشد. دیوان باید در تقابل حق بر آب با حقوق سرمایه‌گذار خارجی به‌روشنی نشان می‌داد که تکالیف آرژانتین در رعایت حق بر آب به مراتب بااهمیت‌تر از تکلیف آن کشور به ایفای تکالیفش در برابر سرمایه‌گذار بوده است. دیوان تنها بر اهمیت منافع عمومی که یکی از آنها حق بر آب است پای فشارد. قاعدتاً اگر حق بر آب بیشتر شناخته شود، در آرای بعدی سایر محاکم نیز در آینده می‌توان شاهد بود که با صرف تکیه بر حمایت حق بر آب، اقدامات تنظیمی دول سرمایه‌پذیر موجه جلوه کنند و مصادره محسوب نشوند. اقدام دیگر دیوان این بود که از یکی از اصول اساسی حق بر آب یعنی استطاعت تأمین آن توسط فرد را مورد دفاع قرار داد. این امر به‌خوبی در تفسیر عام شماره ۱۵ ذکر شده است که دسترسی به آب باید برای شهروند نه مجانی، بلکه قابل استطاعت باشد (G.C. no. 15, 2002: para. 12 (c) (ii)).

نتیجه گیری

این نوشتار نشان می‌دهد که حق بر آب می‌تواند محتوای یک حق مستقل بشری را که از مبنای حقوقی محکمی برخوردار باشد، تشکیل دهد. این مبنا ناشی از وفاق عام بین‌المللی است که انعکاس آن هم در نظام حقوقی بسیاری از کشورها و هم در اسناد بین‌المللی مشاهده می‌شود. هم محتوای هنجاری این حق و هم دامنه تعهدات دولت‌ها برای اجرای آن معین است. در این تحقیق، روشن شد که حق بر آب حقی جدید و بدیع نیست. تفسیر عام شماره ۱۵ کمیته حقوق اجتماعی مصوب ۲۰۰۲ به درستی این حق را در پرتو مواد ۱۱ و ۱۲ میثاق تفسیر کرده و موجودیت آن را اعلام کرده است. متعاقب این تفسیر، نهادهای ملل متحد از جمله مجمع عمومی و شورای حقوق بشر قطعنامه‌هایی را مبنی بر شناسایی حق بر آب صادر کرده‌اند و دولت‌ها نیز نسبت به اقدامات حقوقی این نهادها نه تنها اعتراض نکردند، بلکه با امضای برخی عهدنامه‌های چندجانبه که اغلب در حوزه محیط زیست بودند، بر تفسیر کمیته و عملکرد نهادهای مزبور در جهت حمایت از حق بر آب صحنه گذاشتند. البته برای تنویر محتوای هنجاری و پیامدهای آن در جهت تعیین هرچه بیشتر تعهدات دولت‌ها باید در داخل کشورها تلاش‌های بیشتری صورت بگیرد تا همانند آفریقای جنوبی و هندوستان نقض این حق در محاکم قابل دادخواهی باشد. این حق به صراحت در قانون اساسی بیش از بیست کشور وارد شده است. سایر کشورهای دیگر نیز حداقل قانون مدونی در زمینه حق بر آب دارند. دولت‌هایی هم که حق بر آب در نظام حقوقی خود ندارند، اگرچه ملزم به وارد کردن قواعد حقوق بین‌الملل به نظام حقوقی خود نیستند، مکلف‌اند تا روح تعهدات بین‌المللی را در امور قانونگذاری و سیاستگذاری داخلی خود مورد ملاحظه قرار دهند. حق بر آب در سطح بین‌المللی یعنی در داورهای سرمایه‌گذاری مربوط به آب شناسایی شده و تعهدات دولت‌ها به ایفای آن هم‌تراز با تعهد آنها در قراردادهای سرمایه‌گذاری ارزیابی شده است. در این زمینه، اقدام دولت‌ها در خصوص اعمال اقدامات تنظیمی جهت منع آلوده‌سازی منابع آب یا تضمین حق بر آب شهروندان به صراحت پذیرفته شده و همچنین بر تکلیف دولت‌ها بر منع اشخاص ثالث در نقض حقوق بشر در داخل سرزمینشان تأکید شده است. در پایان، با توجه به عملکرد کمیته حقوق اجتماعی در تبیین محتوای هنجاری حق بر آب و قابلیت دادخواهی روزافزون آن در سطوح داخلی و بین‌المللی می‌توان ادعا کرد که این حق در حقوق بین‌الملل یک حق شناخته شده است و هرگونه نقض آن از سوی دولت و یا سایر متصدیان ارائه‌کننده خدمات آب قابلیت پیگیری قانونی دارد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. کاپونتر، دانتی آگوستو (۲۰۰۷)، *اصول حقوق و مدیریت آب*، ترجمه دکتر محسن عبداللهی و اصلی عباسی (۱۳۹۲)، تهران: شهر دانش.

۲. انگلیسی

A) Books

2. Chaisse, Julian *et al*, (2017), *Asia's Changing International Investment Regime: Sustainability, Regionalization, and Arbitration*, Springer.
3. Singh, Nandita, (2016), *The Human Right to Water: From Concept to Reality*, Springer.
4. Viljoen, Frans (2012), *International Human Rights Law in Africa*, Oxford Scholarship Online.
5. Hilderling, Antoinette (2006), *International Law, Sustainable Development, Water Management*, Ebouron Publishers.
6. Riedel, Eibe, (2005), *The Human right to Water*, Germany, Berlin.
7. Niyi-Gafar, Oluwabunmi Lucy, (2016), *Adpoting a Human Rights-based Approach to Access to Water in Nigeria: Lessons from Jurisdictions*, University of Pretoria.
8. Craven, Matthew C. R, (1995), *The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights: A Perspective on its Development*, Oxford: Clarendon Press.
9. Thuso, Ramabolu (2012), *Right to Water as an Emerging Human Right: The Legal Ramifications*, www.etd.ceu.hu/2013/ramabolu_thuso.pdf
10. Winkler, Inga (2012), *The Human Right to Water: Significance, Legal Status and Implications for Water Allocation*, Hart Publishing, Oxford.

B) Articles

11. A Note, (2007), "What Price for the Priceless? Implementing. The Justiciability of the Right to Water", *Harvard Law Review*, vol. 120: 1067-88.
12. Greenwell Matchaya *et al.*, (2018), "Justiciability of the Right to Water in the SADC Region: A Critical Appraisal", *MPDI.com, Journal/Laws*.
13. Philip Alston (2017), "The Populist Challenge to Human Rights", *Journal of Human Rights Practic*.
14. A. Hardberger, (2005), "Life, Liberty and the Pursuit of Water: Evaluating Water as a Human Right and the Obligations it Creates", *J. of I. H. Rights*.
15. G. A. Cavallo, (2012), "The Human Right to Water and Sanitation: From Political Commitments to Customary Rule?", *P. I. L. Review Online Companion*.

16. G. McGraw, (2011), "Defining and Defending the Right to Water and Its Minimum Core: Legal Construction and the Role of National Jurisprudence", *L. U. C. of International Law*.
17. T. S. Bulto, (2011), "The Emergence of the Human Right to Water in International Human Rights Law: Invention or Discovery?", *M. J. of International Law*.
18. Gleick, P. H. (2007), "The Human Right to Water", *Pacific Institute*.
16. Gleick, P.H. (1998), "The Human Right to Water", *Water Policy*, 1.
20. Salman M. A. Salman *et al*, (2004), "The Human Right to Water, Legal and Policy Dimensions", *The World Bank Washington, D.C.*
21. Farhana Sultana *et al*, (2015), "The Human Right to Water: Critiques and Condition of Possibility", *Wiley Periodicals, Inc.*
22. Izabela Bratiloveanu, (2013), "Human Dignity and Socio-economic Rights", *Agora International Journal of Juridical Sciences*.
23. Thorsten Kiefer *et al*, (2005), "Beyond State Sovereignty: the Human Right to Water", *Koninklijke Brill NV, Leiden, The Netherlands*.
24. Stephen Tully, (2005), "A Human Right to Access Water?", A Critique of General Comment No. 15, *Neth. Q. Hum. Rights* 23(1).
25. Inga Winkler, (2008), "Judicial Enforcement of the Human Right to Water—Case Law from South Africa, Argentina and India", *Social Justice & Global Development Journal*.
26. Knight, L., Hartl G., (2003), "The Right to Water," (*WHO*).
27. Weisburd. AA, (1988), "Customary International Law: the Problem of Treaties", *Va. J. Transnatl. Law* 21.
28. McCaffrey Stephen, (1993), "The Evolution of the Law of International Watercourses", *Austrian Journal of Public and International Law, Vol. 45(2)*.
29. Human Right to Water *Non-State Actors and International Law*, 5(3), 183-208. doi: <https://doi.org/10.1163/157180705775435465>
30. Angel, James and Loftus, Alex, (2019), "With-against-and-beyond the Human Right to Water", *Geoforum* 98 (2019) 206–213.
31. Tassin, Virginei, (2017), "Regulation and Protection of Water in International Law: Terrestrial and Marine Perspectives", *Koninklijke Brill NV, Leiden*.

C) Documents

32. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1966).
33. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR) (1966).
34. Convention on the Rights of the Child (CRC), 20 November 1989.
35. CESCR GC No 15:2002. (CESCR) General Comment No 15,2002.
36. The Dublin Statement on Water & Sustainable Development, 1992.

D) Cited Cases

37. *Afr. Comm. Communications 100&93, with respect to Zaire, 1995*.
38. *Aconquija & Eaux v Argentina, ICSID Award, 2000*.

39. *Azurix Corporation v. Argentine Republic*, ICSID, Case No. ARB/01/12, 2006.
40. *Compania de Aguas del Aconquija, S.A. & Compagnie Eaux v. Argentine*, 2000.
41. *Urbaser S.A. AND ET AL v Argentine*, Consorcio de Aguas, ICSID, 2016.
42. *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996.
43. *R. of the Bon Vista M. v S. M. L. Council*, (2002) 6 Butterworths Constitutional.
44. *Tecmed v US*, ICSID Award, 2003.
44. *United Kingdom v. Norway*, ICJ Reports, 1951.
45. *Nicaragua v United States*, Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1986.
46. *Costa Rica v. Nicaragua*, 2009, ICJ Reports.
47. *ECHR, Zander v Sweden*, Case No. 45/1992/390/468.
48. *The City of Johannesburg & et al v. Mazibuko and Others*, 2009.
49. *The Republic of S. Africa & et al v. Irene Grootboom and Others*, 2000.
50. *M.C. Mehta v. Union of India and Others*, 12 January 1988.
51. *Attakoya Thangal v. Union of India*, 1 January 1990.
52. *F. C. Mullin v. The Administrartor, Union Territory of Delhi*, 13 January 1981.
53. *Virendra Gaur and Others v. State of Haryana and Others*, 24 November 1994.
54. *Narmada Bachao Andolan v. Union of India*, 2000.
55. *S.A. and Vivendi Universal S.A. v. Argentine Republic*, ICSID Case, 2010.